

تولید قالی‌های عشایری بر مبنای ارزش‌های گذشته، حال و آینده

محمد افروغ^۱

چکیده

در دنیای کنونی، با حضور اقتصاد نسبتاً نوظهوری هم‌چون اقتصاد فرهنگ و هنر، معادلات و برنامه‌ریزی‌های جوامع جهان سوم و در حال توسعه، در کسب درآمد و رسیدن به اقتصاد پویا و پایدار، بسیار پیچیده می‌نماید. از این‌رو هر جامعه‌ای تلاش داشته و یا دارد تا بتواند با بهره‌گیری از ارزش‌ها، نظام حاکم بر آن‌ها، منابع، زمینه‌ها، بسط‌ها و ظرفیت‌هایی که این ارزش‌ها را در خود نهفته یا آشکار دارد، بتواند منفعت جامعه خود را حاصل کند. یکی از منابع و زمینه‌های مهمی که دارای ارزش‌های بومی، قومی و ملی است، دست‌بافته‌های ایرانی و به‌طور خاص قالی‌های عشایری است که در گذشته سهم بسزایی در معرفی فرهنگ بومی و قومی و مبادلات اقتصادی داشته و اکنون نیز ضمن داشتن اوضاع بیمارگون خویش، برتری قابل توجه و ارزشمندی دارد. بسیاری از جوامع در حال توسعه و یا جهان سوم با ابتکار عمل و توجه و تمرکز بر داشته‌های فرهنگی خود هم‌چون هنرهای بومی با تکیه بر ارزش‌های متصل به آن‌ها توانسته‌اند سهم خوبی هم در معرفی فرهنگ بومی و قومی و هم اقتصاد و هم تقویت حوزه گردشگری داشته باشند.

در این مقاله منظور از ارزش‌ها، در حقیقت میراث‌های هنری، زیباشناختی و فن‌شناختی نهفته و نهادینه شده در دست‌بافته‌های ایرانی و به‌ویژه قالی‌های عشایری است. ارزش‌هایی که خود مدار و محور اقبال و پذیرش از سوی مخاطبان، مصرف‌کنندگان و به‌طور کلی جامعه بازار است و با وجود آن‌ها قرن‌هاست که باعث شهره شدن این آثار هنری و کالاهای لوکس شده است. برخی از ارزش‌ها محصول گذشته است که می‌بایست بازخوانی و به اجرا درآمد تا شاهد استمرار حیات، رشد و رونق دست‌بافته‌های اصیل باشیم. این عناصر عبارت است از: اصالت در طرح، نقش و رنگبندی، نمادشناختی، ذهنی‌بافی، رنگریزی بومی، دستریس بودن پشم، برخی از ارزش‌ها نیز محصول نگاه امروزی است و اگرچه بر رو به‌سوی اقتصاد دارد، لیک بدون آن حیات قالی‌های عشایری غیرممکن است و از این‌رو بُعد فرهنگی در بود و حضور این عناصر است که عبارت است از: خلاقیت و نوآوری. در این مقاله، ارزش‌های یاد شده مورد بحث، بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. این مقاله از نوع بنیادین و روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، میدانی است.

واژگان کلیدی: عشایر، قالی، ارزش، اصالت، خلاقیت، نوآوری.

دست‌بافته‌های عشایری، یکی از منظومه‌های هنر بومی، قومی است که در سپهر هنرهای ملی ایران، از جایگاه والایی برخوردار است. آثاری که چه در گذشته و چه حال و آینده، همواره بر اساس نیاز و نوع کاربرد بافته شده و می‌شوند و وجه کاربرد و کارکرد، معلول ظهور جنبه‌ی هنری بافته‌های ایلی است و قالی عشایری نمودی از این بافته‌هاست که محمل و بازتاب‌دهنده ارزش‌های دیداری (بصری) و جنبه‌های زیباشناختی آن است. ارزش‌ها، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است که تراز محبوبیت از یک بافته را بالا می‌برد و بدان اعتبار می‌بخشد. ارزش‌های فرهنگی و باورهای هنری حاکم بر جامعه عشایری و به‌طور کلی، جهان‌بینی و اعتقادات بافنده نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج حاصل از آفرینش یک بافته به‌ویژه قالی هم به‌لحاظ هنری و فرهنگی و هم اقتصادی دارد. بافنده عشایری با آفرینش یک اثر هنری هم‌چون قالی، در حقیقت به خلق ارزش، تمدن، زبان معنوی و هویت فردی و جمعی خویش نائل آمده است. هنر ایلی و عشایری بیان‌کننده آراء و ارائه دهنده‌ی تصویری آرمانی از جامعه و ارزش‌های بافنده و جامعه عشایری است. خلق ارزش‌های معنوی و هنری که از گذار و گذار ذهن و ذوق بافنده عبور کرده، امروزه زینت‌بخش خانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های ملل مختلف جهان است. محور این مقاله، قالی عشایری به‌عنوان یک بافته نخبه و شاخص، است. هم‌چنین هدف آن، در قالب توصیه‌هایی است که پیشنهاد می‌شود بر مبنای آن، تولید این بافته در بین بافندگان (به‌ویژه نسل جدید)، تولیدکنندگان مختلف و متنوع، صورت پذیرد تا هم در بعد فرهنگی (میراث بومی) و هم در بعد اقتصادی، نتیجه مطلوب حاصل آید.

قالی عشایری : میراث جاویدان

قالی‌های عشایری ایران به‌عنوان بخشی از دست‌بافته‌های ایلی، یکی از جلوه‌های میراث فرهنگی در گذار تاریخ و تمدن ایران، همواره تجلی‌گر بخشی از هویت و میراث هنری این قشر و این سرزمین بوده است چه این که بخشی از شهرت جهانی قالی ایرانی، قالی‌های ایلی و عشایری است. این بافته، یکی از محمل‌ها و مؤلفه‌های برجسته و ارزشی و هویت قومی و جوامع ایلی و عشایری، است که در عین برخوردار از پایداری از پایداری بالا، از انعطاف قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و در نگاهداشت میراث هنری و فرهنگی و تبیین ارزش‌های تصویری جامعه ایلی و عشایری، نقش مؤثری دارد. در متن و زمینه دست‌بافته‌های عشایری، تاریخ، باورها، آداب و شیوه‌ی زندگی، خلق و خو، رفتار و عادات این قشر از جامعه بازتابی اجتناب‌ناپذیر دارد. دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه قالی به‌عنوان میراث معرفتی و هنری، توسط بافندگان بومی این قوم بافته می‌شود. متن و محتوای این دست‌آفریده‌ها «بازتاب دهنده جهان‌بینی و ارزش‌های نهادینه شده» (ضرغام، ۱۳۸۶، ۳۱) و نمودی از هویت قومی و ایلی به‌شمار می‌آید. چه این که بستری مستعد جهت حضور و نمایش نقش‌ها و طرح‌های منحصر به فرد عشایری است.

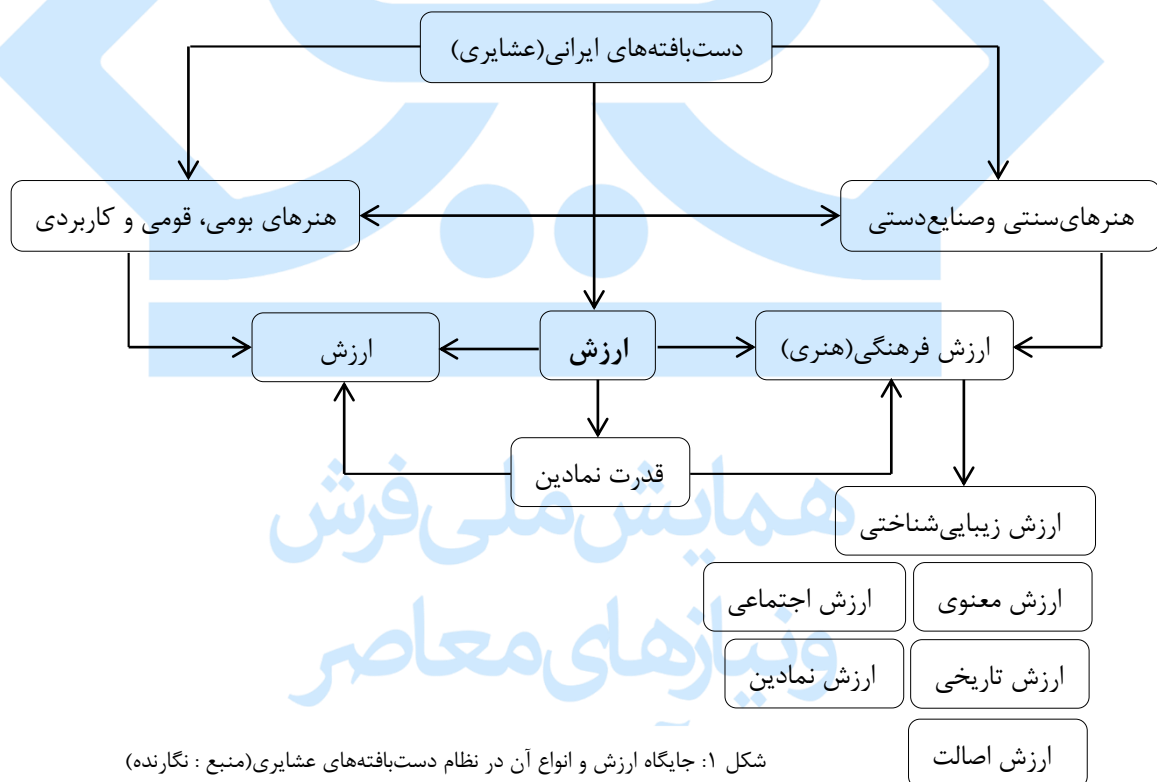
تعریف ارزش

مجموعه سنت‌ها، باورها، شیوه‌های تفکر، رفتار و طرز نگرش و تلقی نسبت به پدیده‌های زندگی و زیست‌بوم، که فرهنگ و هویت یک اجتماع را می‌سازد و باعث می‌شود آن جامعه توسط آن عناصر و شاخص‌های مطلوب به محبوبیت، رشد و پیشرفت و درجات عالی برسد، ارزش نامیده می‌شود. هر پدیده‌ای می‌تواند از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار باشد. ارزش‌های فرهنگی و هنری در جهان کنونی، برجسته‌ترین نوع ارزش به‌شمار می‌رود.

ارزش : شالوده و فصل مشترک اقتصاد و هنر

در معنایی بنیادین، مفهوم ارزش، منشأ و انگیزه همه رفتارها و تولیدات اقتصادی است. در همین حال، ولی از دیدگاهی متفاوت، ایده‌های مربوط به ارزش، قلمرو هنر را فرا می‌گیرد و بر آن سایه می‌افکنند. ضمن این‌که در قلمرو اقتصادی، ارزش به مطلوبیت (فایده)، قیمت و ارزشی مادی ربط دارد که افراد یا بازارها به کالاها نسبت می‌دهند. در مورد هنر می‌توان گفت ارزش در برخی خصایص معین که براساس شرایط خاص، مانند ارزش [یک طرح یا نقش در قالی، گبه و گلیم عشایری]، پرده‌ی یک نُت موسیقی، یا ارزش یک رنگ در نقاشی یا براساس شرایط عام از قبیل امتیاز یا ارزش مادی یک اثر یا تجربه هنری بیان‌شده‌اند. «به‌طور حتم هم اقتصاد و هم فرهنگ (هنر) به‌عنوان حیطه‌های اندیشه و عمل بشری، با ارزش‌ها به‌صورت جمع سروکار دارند - یعنی عقاید و اصول اخلاقی که چارچوبی برای اندیشه و هستی ما می‌سازند. در اقتصاد و فرهنگ به‌عنوان دوحوزه مورد توجه ما، می‌توان مفهوم ارزش را به‌رغم خاستگاه‌های متفاوتش، نمودی از ارزش مادی، نه فقط به‌معنایی ایستا یا منفعل بلکه هم‌چنین به‌معنایی پویا یا فعال به‌عنوان پدیده‌ای خرید و فروش شدنی یا مبادله‌پذیر دانست» (تراسبی، ۱۳۸۵، ۴۰). بنابراین می‌توان ارزش را نقطه شروع در فراگرد مرتبط ساختن این دو حوزه دانست. یعنی به‌عنوان شالوده‌ای که می‌توان بر آن توجه مشترک به اقتصاد و فرهنگ را بنا کرد. ضمن این‌که «در ساده‌ترین حالت می‌توان گفت نقطه شروع شناسایی ارزش در یک زمینه فراگیر فرهنگی [و هنری] در این اصل تقلیل‌ناپذیر نهفته است که ارزش، خصائص مثبت و نه منفی را، باز می‌نمایاند و جهت‌گیری به چیز خوب نه بد، بهتر و نه بدتر است» (پیشین). اهمیت ارزش از آن رو است که پایه و شالوده ارزیابی اشخاص، از پدیده‌های اطراف، وجود فرد، دیگران و جامعه شکل می‌گیرد و رفتار انسان را به نسبت آن‌ها تنظیم می‌کند. از دیدگاه بورديو «پیروزشدن در یک مبارزه نمادین به این معناست که کالاهای نمادین متعلق به یک شخص، ارزشمندترین از کالاهای نمادین متعلق به رقیبان او ارزیابی شوند. ثمرات این پیروزی آن است که شخص مذکور حق تحمیل کالاهای نمادین خود را به میدان اجتماعی کسب می‌کند» (لش، ۱۳۸۴، ۳۴۷). بنابراین ارزش‌ها نقش مهمی در موفقیت یک جامعه ایفا می‌کنند. یکی از خاستگاه‌ها و در واقع منشأ آفرینش ارزش، "کم‌یابی" است. «اگر پدیده‌ای کم‌یاب باشد، باعث با ارزش شدن آن شیء می‌گردد. به‌عنوان نمونه اگر در خرید یک کالا، به خریدار گفته شود که از این مدل کالا تنها یکی تولید شده است و این محصول "یونیک"

است، در آن صورت آن کالا به دلیل خاص بودن، مورد توجه و خرید قرار گرفته است. به طور کلی اکثر آثار هنری و از جمله قالی دست بافت از این قاعده پیروی می کنند» (ایمانی، ۱۳۹۲، ۷۸). عنصر کم یابی یکی از کانونی ترین مباحث ارزشی است که امروزه برای دست بافته های عشایری به ویژه قالی اتفاق افتاده و مطرح است. مفهوم ارزش به عنوان یکی از برجسته ترین مفاهیم و مقاصد در دست بافته های عشایری به عنوان تجلی هنرهای بومی، قومی و کاربردی، مفهومی کلیدی و قابل توجه است. در واقع این ارزش است که تمرکز و توجه مخاطب و بازار را چه از حوزه فرهنگ، هنر و حس زیبایی شناختی و چه از حوزه کاربرد و اقتصادی، را بر دست بافته های عشایری سوق می دهد. ارزش در این دست بافته ها، قدرت این کالاها یا آثار هنری است. قدرتی که از آن به عنوان قدرت فرهنگی و نمادین در ارضای نیازهای متنوع بشری یاد می شود. البته ذکر این نکته ضروری می نماید که در تجزیه ارزش فرهنگی در ارتباط با قالی، می بایست به دامنه ای از ارزش فرهنگی نظیر ارزش زیبایی شناختی، ارزش معنوی، ارزش اجتماعی، ارزش تاریخی، ارزش نمادین و ارزش اصالت اشاره و توجه ویژه داشت. رابطه ی مفهوم ارزش و انواع آن با دیگر مفاهیم یاد شده نظیر اقتصاد و هنر (هنرهای بومی) - قالی عشایری در شکل ۱ دیده می شود.



شکل ۱: جایگاه ارزش و انواع آن در نظام دست بافته های عشایری (منبع: نگارنده)

نقش ارزش ها و باورهای فرهنگی در فرآیند توسعه

در نظام اجتماعی و جامعه شناسی «مجموعه سنت ها، نظرات و شیوه های تفکر را که رفتار اجتماعی افراد مبتنی بر آن هاست، ارزش های اجتماعی و در سطحی گسترده تر، ارزش های فرهنگی می نامند. از آن جا که رفتار اقتصادی هر کس به عنوان جزئی از

اعمال فردی و اجتماعی او، از افکار، اعتقادات و ارزش‌های موردنظر آن شخص سرچشمه می‌گیرد و علل و انگیزه‌های رفتار او از ویژگی‌هایی که سازنده‌ی شخصیت انسان است و رفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سرچشمه می‌گیرد، بنابراین توسعه‌ی فرهنگی یکی از پیش‌نیازهای مهم و در واقع زیرساخت توسعه اقتصادی، به‌شمار می‌رود» (خلیلیان، ۱۳۷۸، ۱۸). توسعه با مسائل اخلاقی و ارزشی جامعه پیوندی نزدیک دارد. «ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند، ارزش یک تصور و درک برای یک فرد یا یک گروه است درباره‌ی مطلوبیت که بر روی انتخاب روش‌ها، ابزار و عمل تأثیر می‌گذارد» (رفیع‌پور، ۱۳۸۷، ۲۶۷). بسیاری از صاحب‌نظران عرصه‌ی اقتصادی «رشد و عدم توسعه‌ی اقتصادی در کشورهای جهان سوم را غفلت از عوامل غیراقتصادی یعنی ارزش‌ها و عوامل فرهنگی، انگیزه‌ها و به‌طور کلی ویژگی‌های روحی آن جوامع می‌دانند» (پیش‌بین). از این‌رو ارزش‌ها و باورهای فرهنگی حاکم بر جامعه و به‌طور کلی جهان‌بینی و اعتقادات دینی افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار اقتصادی آنان و روند توسعه و میزان آن دارد. «ارزش‌های یک جامعه فراتر از توسعه‌ی اقتصادی جهت‌گیری و نتایج توسعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و سرمایه انباشته شده‌ی مادی و انسانی در اختیار ارزش‌ها و اعتقادات جامعه می‌گذارد. اما این‌که چگونه یک جامعه، توسعه‌ی اقتصادی را با ارزش‌های خود بیامیزد، بستگی به تعریفی دارد که از حیات ارائه می‌دهد و حدّی که میان مادیت و معنویت قابل است» (سریع‌القلم، ۱۳۶۹، ۹۷). ساختار اجتماعی و فرهنگی یک جامعه می‌تواند عاملی مهم و اساسی در بروز خلاقیت، نوآوری یا سکون و رکود تفکرات نو باشد و توسعه فرآیندی است که هم از روابط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متأثر می‌گردد و هم آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قالی‌های عشایری به‌عنوان نمودی از فرهنگ و هنر ایلی، ارزش‌های بومی و قومی هستند که خود از ارزش‌هایی شکل می‌گیرد که زائیده‌ی ذوق و ذهن است و ترکیبی از فن و فکر.

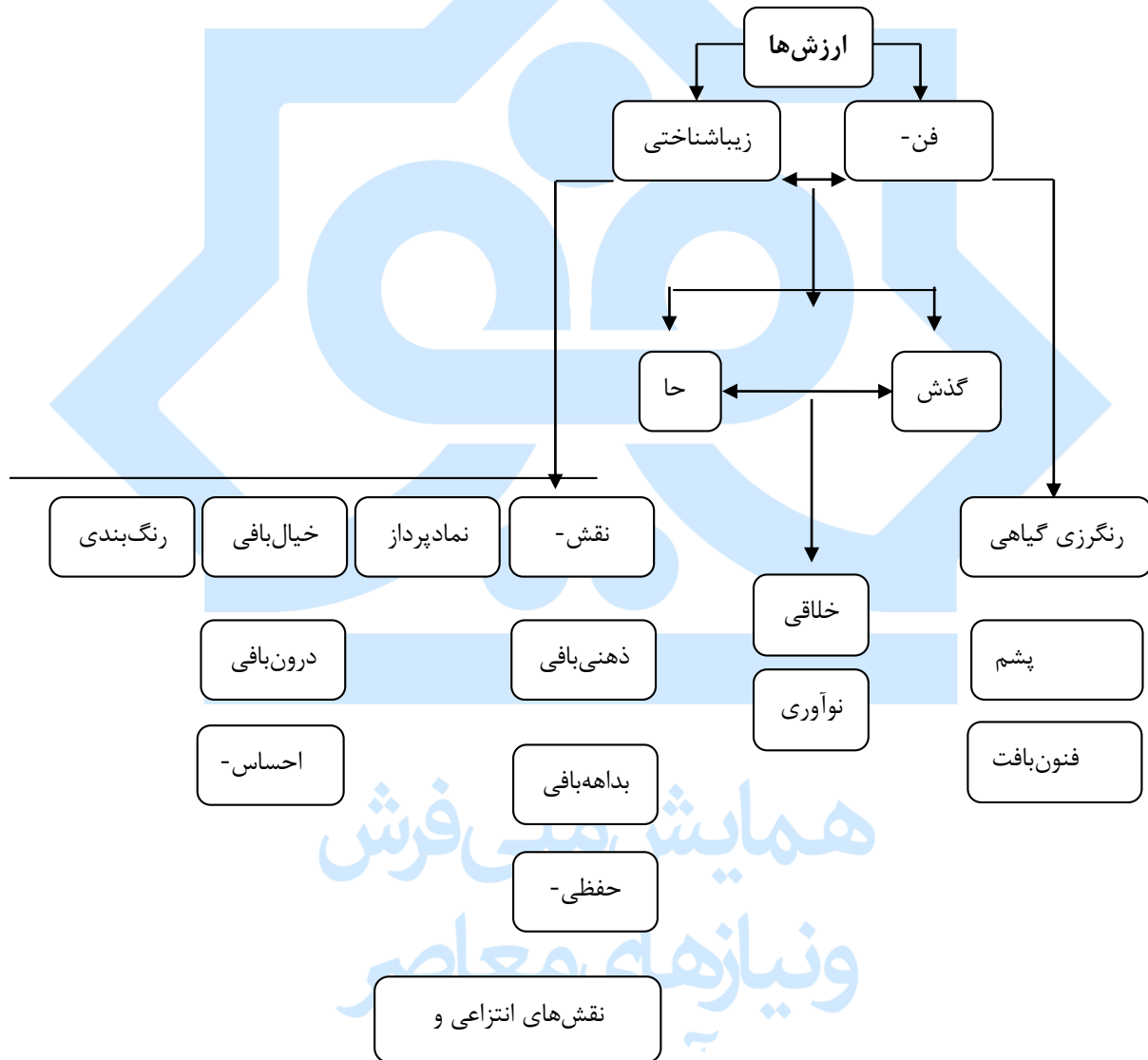
قالی‌های عشایری نمودی از هویت و ارزش‌های ایلی

هویت ایلی عبارتست از باز تولید و باز تفسیر دائمی الگوها، ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ایل‌های متنوع کشور را شکل می‌دهد و تشکیل هویت افراد با آن الگو و میراث و عناصر فرهنگی و هنری معنا می‌یابد. هنرهای ایلی و عشایری، بخش اعظمی از شاکله و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت قومی و جمعی یک ایل به‌شمار می‌رود. دست‌بافته‌ها تجلی‌گر هنر ایلی و عشایری است که در جایگاه ارزش‌های بومی و قومی وظیفه دارند هویت هنری ایلی و عشایری را در روح جمعی و ملی یک جامعه و جهانی ایفا کنند. عناصر هنری ایلی پیوندهای بنیادین، درونی و ماندگاری با هویت عشایر دارند.

قالی‌های عشایری به‌عنوان نمودی از هویت هنری ایلی و یکی از هنرهای بومی ایرانی با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نهفته‌ای که در درون خویش دارد، می‌تواند یکی از مؤلفه‌ها و ابعاد هویت قومی و ملی باشد. قالی‌های عشایری متنی بسیار گسترده و تابلویی بسیار مرتفع است که بسیاری از عناصر و نمادهای فرهنگ و هویت اقوام، ایل‌ها و عشایر ایرانی را به‌صورت تصویر در خود جای داده و به‌عنوان یک رسانه‌ای تصویری و کاربرد محور همیشه و در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران، حامل، حافظ و معرف فرهنگ، هنر و تمدن این کشور به جهان بوده‌است. امروزه در جامعه جهانی، کمتر موزه و مجموعه مشهوری را می‌توان یافت که مفتخر به نگهداری و معرفی قالی دست‌بافت اصیل ایرانی و عشایری نباشد که معرف مظاهری از هویت هنری و فرهنگی است. چه این‌که هویت ایلی و عشایری صرفاً ناظر به مختصات فیزیکی و هنری و دست‌آوردهای مادی یک [ایل] نیست بلکه بیش‌تر بر محمل یک روح، احساس، فهم و باورهای مشترک استوار است و این عناصر مشترک با یک نگاه و در قالب صورت‌های متنوع همگی در متن و زمینه دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه قالی‌ها، خود را متجلی کرده‌است.

ارزش‌های فنی و دیداری (بصری) در قالی‌های عشایری

دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه قالی‌ها، در فرآیند تولید در پرتو ارزش‌های فنی و دیداری شکل می‌گیرد که بدون آن‌ها، صرفاً کالاهایی مصرفی خواهد بود. در واقع این مؤلفه‌های ارزشی هستند که به قالی‌ها اعتبار و هویت می‌بخشد. ارزش‌های فنی و دیداری خود شامل عناصر و مؤلفه‌هایی است که در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۲: نظام ارزش‌های فنی و دیداری در قالی‌های عشایری (منبع: پژوهش‌گر)

خیال‌پردازی (خیال‌بافی) در دست‌بافته‌های عشایری: اصیل‌ترین ارزش

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در ارتباط با دست‌بافته‌های عشایری در حوزه‌ی زیبایی‌شناسی مطرح است، این است که ملاک و معیار زیبایی‌شناسی چیست؟ و یا این که چه چیزی در دست‌بافته‌های عشایری به‌عنوان یک محصول، ارزش است؟

به طور حتم یکی از مهم ترین پدیده های مرتبط با این پرسش، ساحت و عرصه "خیال" است که اصیل ترین و بهترین معادل آن در فارسی، پندار است. «از منظر انسان شناسی، قوه خیال یکی از قوای باطنی انسان است اما از دیدگاه هستی شناسانه، عالم مثال دنیایی حقیقی و بیرونی و برخوردار از ویژگی های خاص خویش است. قوای ظاهری یا بیرونی به محسوسات تعلق دارند مانند لامسه، ذائقه، دیداری، سامعه و شامه اما قوای باطنی یا درونی به مجردات تعلق داشته و خیال از قوای باطنی و درونی انسان است» (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۳، ۱۱). اهمیت خیال در انسان شناسی از این جهت است که خیال «در واقع دریچه و پنجره ای برای تلقی انسان از جهان بیرون، برخورد او با عالم خارج، ثبت و نگاهداری مجموعه ای از صورت های جزئی که از عالم خارج به ذهن آدمی منتقل می شود» (پیشین، ۱۹).

بافنده در فرآیند بافت خیالی، اجازه می یابد بر اساس ذوق خویش و به کمک دریافت های قوای باطنی اش، ابداع کند و به آفرینش اثر هنری دست یازد. در این فرآیند است که بافنده به واسطه ی ظرایف و لطایفی که در کار خویش اعمال می کند، صاحب سبک و شیوه ی فردی می شود. در بافت خیالی، بافنده می بافد، نه به گونه ی تقلید، بلکه با رجوع به قوت طبع خویش و آزادی تام در نقش اندازی و نگاره پردازی. فایده ی این بافت خیالی آن است که بافنده را صاحب تصرف کند. عنصر اصلی این تصرف، خلاقیت و شناخت است که توسط ذهن از قوه ی خیال نشئت می گیرد و در عالم مثال به پرواز درمی آید. در دست بافته های عشایر [قشقایی] بیننده با طبیعت گرایی محض، در بیان تصویری، روبه رو نیست. انسان، حیوان و گیاه به نغزترین شکل ممکن از طبیعت خود جدا شده (هرچند ریشه در آن دارد) و منطبق با ذهن خلاق آفریننده و ضرورت های تصویری آن تغییر شکل یافته و طرح نویی از آن حاصل آمده است که زائیده ی خیال و اندیشه، احساس، دانش تصویری و ابتکار عمل بافنده است. دست بافته های عشایری و خاصه قشقایی نمونه های مشخصی از شعور هنرمند طراح و بافنده ای است که ضمن مزین کردن متن دست بافته به نقش و نگاره های خیال انگیز، از ویژگی هایی هم چون تجرید، انتزاع، اغراق، ساده سازی، رمزگرایی و استفاده از سطح برای بیان زیبایی فضای مورد نظر سود برده است.

انسان به لحاظ جایگاه فکری، شخصیتی و جهان بینی اجتماعی، آیینی و اسطوره ای، ذاتاً تخیل و ساحت خیال و صحنه های خیالی و فضاها را رمزآلود و داستان های تخیلی و افسانه ای را دوست دارد. برای انسان، یک پدیده هرچه قدر غیر واقعی تر باشد، جذابیت آن بیش تر است. برای نمونه می توان به سینمای غرب و فیلم ارباب حلقه ها اشاره داشت. از آن جا که مضمون این گونه فیلم ها فراواقعی و خیالی بوده و از جنبه های جادویی، افسانه ای و رمزآلود برخوردار است. پدیده ها و قدرت های موجود در آن، مافوق قدرت بشری بوده و از دسترس انسان معمولی بیرون است. بنابراین انسان به دلیل احساس و علاقه به هم ذات پنداری، آرزوی رسیدن به این نوع قدرت را دارد و از این که خود را در این فضاها احساس کند، یا این که خود را شبیه به پهلوان و قهرمان داستان تصور یا در جایگاه آن تلقی کند، لذت می برد. نکته قابل توجه در باب این نگرش در جهان کنونی این است که

امروزه تولیدات رسانه‌ای و محصولات فرهنگی و هنری (سینما - نظیر هالیوود) و ادبی به‌لحاظ کمی و کیفی رشد چشم‌گیری داشته است. تا جایی که توانسته است به یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی جوامع و دولت‌ها تبدیل شود. در واقع یکی از مهم‌ترین صنایع پول‌ساز در جهان امروزی است. اما نباید فراموش کرد که محتوا و مضامین این محصولات است که توانسته است به رشد همه‌جانبه‌ی تولیدات فرهنگی دیداری کمک کند. محتوا و مضامینی که دارای ساختار خیالی، اعجاز‌گونه، رمزآلود، نمادپردازانه، افسانه‌ای و اساطیری بوده و باعث جذابیت و استقبال مخاطبان این حوزه شده است. بنابراین مضامین و محتوای محصولات فرهنگی و هنری و به‌ویژه محصولات و تولیدات کاربردی هم‌چون هنرهای سنتی و صنایع دستی می‌تواند عامل بسیار مهم در فروش و استقبال مخاطبان که دارای هویت، نگرش، دیدگاه‌ها و دغدغه‌های خاص و متفاوت از گذشته است، در جهان و جامعه‌ی امروزی مورد توجه و استفاده قرارگیرد و این جریان، یک واقعیت انکارناپذیر است. نگاه و اندیشه‌ی خیالی بافنده و خیالی‌بافی نقش‌ها به‌صورت ساده‌گرایی (انتزاع و تجرید) در متن دست‌بافته‌های عشایری، یکی از ویژگی‌ها و قابلیت‌های برجسته و شاخص‌های متمایز نظام‌بافندگی و دست‌بافته‌های ایرانی است که از گذشته تاکنون (البته در زمان حال به‌مراتب به‌لحاظ تغییر الگوی زندگی و از بین رفتن کاربرد بسیاری از دست‌بافته‌ها، کم‌تر و کم‌رنگ‌تر شده است) به‌طور متناوب ادامه داشته‌است. اندیشه‌ی خیالی و خیالی‌بافی در دست‌بافته‌های عشایری و به‌ویژه قشقایی در قالب اشکال انتزاعی و تجریدی می‌تواند هم‌سو با نگرش‌ها و دغدغه‌های جامعه‌ی مصرف‌کننده باشد. در واقع خیالی‌بافی مبتنی بر نقش‌های انتزاعی و تجریدی می‌تواند یک امکان و فرصت و مهم‌تر، یک ظرفیت در حوزه‌ی زیبای‌شناختی دست‌بافته‌ها باشد که تأثیر به‌سزایی در استقبال جامعه‌ی مصرف‌کننده از کاربرد دست‌بافته‌های عشایری و در سطحی فراتر، در توسعه‌ی اقتصادی عشایر (هم‌اسکان‌یافته و هم‌کوچ‌رو) در کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشد.

این دیدگاه یعنی روند بازگشت به سنت‌های گذشته‌ی قومی و ملی و اصالت‌های فرهنگی می‌تواند، یک نگاه راهبردی و یک چشم‌انداز در بلندمدت، یکی از راه‌کارهای مناسب در پویایی اقتصاد و صیانت از هویت و اصالت‌های گذشته‌ی دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه در حوزه‌ی زیبای‌شناختی باشد. ویژگی‌های نقش‌های دست‌بافته‌های عشایری انتزاعی و تجریدی است که در قالب خلاصه و ساده‌سازی، بافته شده است و این یک ظرفیت ارزشمند در دست‌بافته‌های عشایری است که مخاطبان زیادی را به خود اختصاص داده است. این ویژگی یکی از مهم‌ترین قابلیت‌هایی است که در بسیاری از مفروشات، دیوارکوب‌ها و تزئینات میز و مبلمان امروزی دیده نمی‌شود. در واقع می‌توان با یادآوری اهمیت و جایگاه نقش‌های انتزاعی و تجریدی که حاصل آفرینش ذهن خلاق و اندیشه‌ی سیال و خیالی بافنده‌ی عشایری است و جلب توجه بافنده به تولید بافته‌ها از طریق فرآیند ذهنی‌بافی و نیز کمک به احیاء و باز زنده‌سازی زمینه‌های مشحون از نقش‌های انتزاعی و تجریدی و نیز محتوا و مضامین خیالی، افسانه‌ای و متن‌هایی بعضاً با جنبه‌های روایت‌پردازانه و نیز ارائه‌ی مضامین و موضوعات قومی و ملی به صورت شفاهی

به بافنده درجهت داستان‌سازی و مفهوم‌سازی محتوا و زمینه‌ی دست‌بافته براساس احساس، ذوق و قریحه و اندیشه‌ی خیالی، وی را درجهت رسیدن به هدف نهایی یعنی رونق اقتصادی در دست‌بافته‌های عشایری یاری و مدد رسانید.

قابلیت‌های هنری قالی‌های عشایری

دست‌بافته‌های عشایری به‌طور عام و قالی به‌طور خاص را می‌توان در زمره‌ی صنایع فرهنگی خلاق به‌شمار آورد که به‌واسطه وجود عناصر فن‌شناختی و زیبایی‌شناختی در آن و نحوه طراحی، بافت و حتا کارکردش، از ماهیتی هنری برخوردار است و از ویژگی‌ها و ظرفیت‌ها و تأثیرات هنری قابل توجهی است. از جمله ظرفیت‌ها و ویژگی‌های هنری دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه قالی می‌توان به هم‌افزایی و هم‌گرایی با عناصر معماری و دکوراسیون داخلی و هم‌چنین «نام‌آشنایی و خوش‌نامی، ماندگاری و ودام، فرامرزی و جهانی بودن، پشتوانه فرهنگی و اجتماعی، غنای تصویری و تنوع نقش‌مایه‌ها، عمومیت، فراگیری و تنوع کاربرد» (زنگی، ۱۳۹۲، ۶۳) و از موارد کارکردی و تأثیرات این بافته مؤلفه‌هایی هم‌چون «کمک به توسعه و نهادینه‌سازی فرهنگ تصویر، اشاعه‌ی نمادگرایی تصویری و زمینه‌سازی شکل‌گیری نمادهای تصویری، اشاعه سنت‌های دیداری قومی و ملی، تزئین محیط و تأمین جلوه‌ها و جنبه‌های دیداری، ایجاد تأثیرات مثبت روحی بر روی مخاطبان از طریق تصویر، زمینه‌سازی برای بروز خلاقیت و نوآوری و ارائه مهارت‌های هنری» (پیشین، ۶۷)، اشاره داشت.

خلاقیت و نوآوری (ابتکار، ابداع): ارزش‌های حال و آینده

خلاقیت و نوآوری به‌لحاظ کارکردی دو مفهوم مجزا و مکمل هستند که در نتیجه و مقصد یک هدف را دنبال می‌کنند و آن دست‌یابی به یک نتیجه و اثر مطلوب است. خلاقیت تولید یک اندیشه جدید است که در ذهن پخته و پردازش می‌شود. اما نوآوری فرآیند به اجرا در آوردن آن اندیشه است. نموده‌های خلاقیت در عرصه‌های هنری به‌ویژه دست‌بافته‌های عشایری و قالی‌ها، با کاوش، کسب تجربه، به‌دست آوردن مهارت‌های ایده‌یابی و خلاقیت ظهور می‌یابد. چه این که داشتن مهارت‌های فنی و تکنیکی نیز بر این مؤلفه‌ها افزوده می‌شود. بروز و شکوفایی ایده‌های خلاقانه، رابطه‌ای مستقیم و مناسبات متقابلی با یادگیری و آموزش، مطالعه و کسب تجارب گوناگون دارد. خلاقیت و نوآوری محصول احساس نیاز است. نیاز به تغییر و نو شدن. نیاز به درانداختن طرحی نو که هم پاسخ‌گوی نیاز روح باشد و هم جسم. «اصل آن است که هنرمندان بیافرینند و آفرینش‌ها پاسخ‌گوی نیازهای فرهنگ و جامعه باشد و در هر کجای جهان باشد به مثابه‌ی "سفیر هنرهای ایران" خودنمایی کند، این بدان معنا نیست که ما آرایه‌ها و نگاره‌های ایرانی را همان‌گونه که تاکنون به‌کار رفته‌اند و می‌توان گفت که سنتی و حتی خود سنت‌شده‌اند به کاربریم، نه! نقش‌ونگارهای ایرانی هم می‌توانند با حظ هویت ایرانی خود، نوین و امروزی شوند» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶،

۷). همه باور داریم که دست‌بافته‌های ایرانی در نوآوری و آفرینش طرح، نقش و رنگ‌آمیزی آن است. به گونه‌ای که زیبا باشد و لذت دیدار به بیننده ارمغان بخشد» (پیشین، ۸).

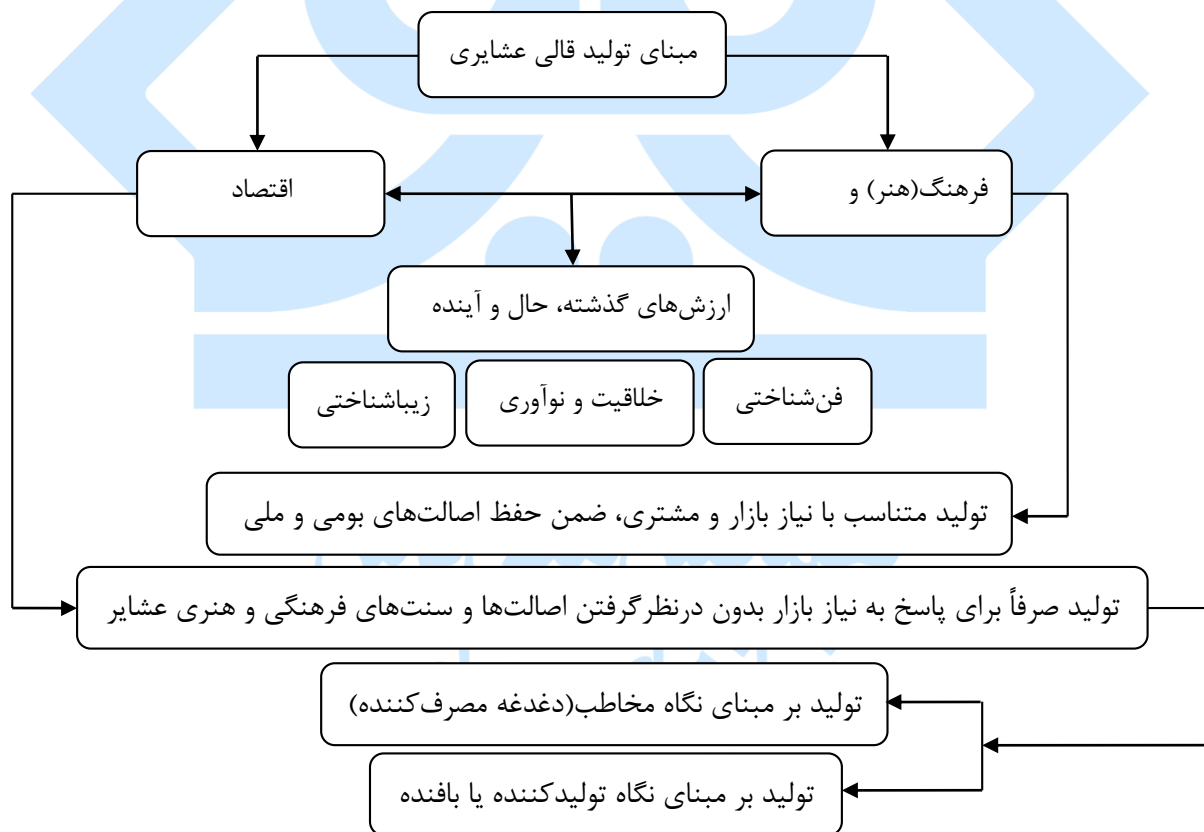
خلاقیت و نوآوری در هنر و به‌ویژه هنرهای بومی نظیر دست‌بافته‌های عشایری، زائیده‌ی فطرت و نبوغ بافنده است که در لحظه وارد دنیای ذهن شده، درک و پردازش می‌شود و سپس اتفاق می‌افتد که با گذشت زمان خود تبدیل به سنت، مبنا و شالوده می‌شود برای زمانی دیگر. این فرایند به‌طور مداوم تکرار می‌شود. تکرار خلاقیت و نوآوری که ریشه در سنت خویش دارد. « در هنر محصولی دیالکتیکی است. روح زمانی که در عصر ما و در دنیای شرقی ما هنر و اندیشه نو و پیش‌رو را می‌زاید و می‌پروراند، حاصل برخورد ناگزیر جامعه سنتی و روزگار مدرن است. سنتی که در نبود یکی از دو طرف، رخ نمی‌دهد و عقیم می‌ماند. هنر زنده، هنر نو است و هنر نو سر از گور مردگان برمی‌آورد» (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰، ۷). خلاقیت و نوآوری از طریق، تغییر و دگرگون‌سازی نقش، طرح و رنگ در قالی‌ها با تکیه بر سنت‌های تصویری گذشته، در راستای ایجاد ارزش‌های دیداری و زیبایی‌شناختی و مفهوم‌رسانی هرچه بهتر و بیش‌تر، بافنده یا تولیدکننده را برای دست‌یابی به یک قالی نخبه با رنگ‌بندی و طرح و نقش خلاقانه و در نهایت مطلوبیت فروش و رضایت‌مندی بهتر، رهنمون می‌کند. خلاقیت و نوآوری‌های رخ داده در نظام نقش و طرح قالی‌های عشایری، ارزش‌های حال و آینده است که همیشه در حال اتفاق است. تداوم و تکرار آن نه تنها از ارزش آن نمی‌کاهد بلکه خلق ارزش و افزایش جنبه‌ی اعتبار آن است و این پدیده در سایه آزادی و فراغ بال مطلق بافنده رخ می‌نماید. چه این که در بستر گذر زمان تبدیل به ارزش‌های گذشته و نهایتاً سنت‌های تصویری قالی‌های هر ایل، طایفه و تیره می‌شود.

وحدت گذشته، حال و آینده: مبنای تولید قالی‌های عشایری

اهتمام و توجه به گذشته یک قوم، به‌عنوان نمودگار میراث و تمدن آن ملت، قابل رصد و امری ضروری است. بدون گذشته و فرهنگ گذشتگان، جامعه تهی از فرهنگ و هویت است. گذشته، نقشه راه آینده است و با تکیه بر این پیوست تاریخی است که می‌توان با افتخار و امید در آینده قدم نهاد. در واقع گذشته، حال و آینده مفاهیمی بهم پیوسته و متصل است. در رساله تیمائوس می‌خوانیم: «... شما مردمان یونان از حیث روح، کودک هستید. زیرا روح شما از هرگونه بینشی که بر پایه تاریخ کهن استوار باشد، خالی است و هیچ‌گونه دانشی که بر اثر گذشت زمان رنگ کهنگی به خود گرفته باشد، در شما نیست» (لطفی، ۱۳۵۱، ۵۴). ترجمان مطلب را لوکریئوس (۵۵۰ پ.م)، چنین بیان می‌کند: از بی‌اعتنایی بشر به گذشته، می‌توان بی‌اعتنایی او را به آینده استنتاج کرد» (حجت، ۱۳۸۰، ۳۲). به عبارتی دیگر می‌توان گفت حراست از گذشته، حراست از آینده است و از آن جایی که انسان تنها موجودی است که هنر و زیبایی را می‌فهمد « تصور انسان توانایی زیادی برای فهم کلی پدیده‌های گذشته دارد و میان این توانایی و قوت ابداع هنری پیوند جالبی برقرار می‌سازد» (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۶۱). از این‌رو مطالعه

تاریخی، توصیفی و تحلیلی در هر امری قطعاً رابطه معناداری بین گذشته، حال و آینده برقرار می‌نماید و انتقال « مفاهیم از یک فرهنگ به فرهنگی دیگر و از یک زمان به زمانی دیگر برای توسعه فکری و روحی بشر حیاتی است» (حجت، ۱۳۸۰، ۳۲).

حیات و حضور قالی‌های عشایری که نمادهایی از دست‌بافته‌های عشایری هستند، در دنیای کنونی و شرایط حاضر کمی سخت است. استمرار حیات آن‌ها نیازمند توجه به ارزش‌های حال و گذشته است. برای نتیجه‌بخش بودن تولید قالی‌های عشایری و موفقیت در بازار و اقلان نیازهای مصرف‌کننده امروزی که سلیقه‌ای فرار و متکثر دارد، می‌بایست بر پیوستگی و وحدت گذشته، حال و آینده تمرکز و عمل نمود. این عنصر هنری و بومی عشایر، می‌بایست توسط بافنده‌ای با آزادی خاطر و فراغ بال بافته شود. رویکرد تولید و این که محصولات عشایری بر چه مبنایی و با چه هدفی تولید شود، نگاهی است نسبی. تولیدات عشایر می‌تواند با دو هدف راهبردی فرهنگی و اقتصادی به صورت کلان صورت پذیرد. شکل زیر مبنای تولید بر اساس دو مؤلفه فرهنگ و اقتصاد را نشان می‌دهد.



شکل ۳. تولید قالی عشایری بر مبنای مؤلفه‌های فرهنگ و اقتصاد (منبع: پژوهش‌گر)

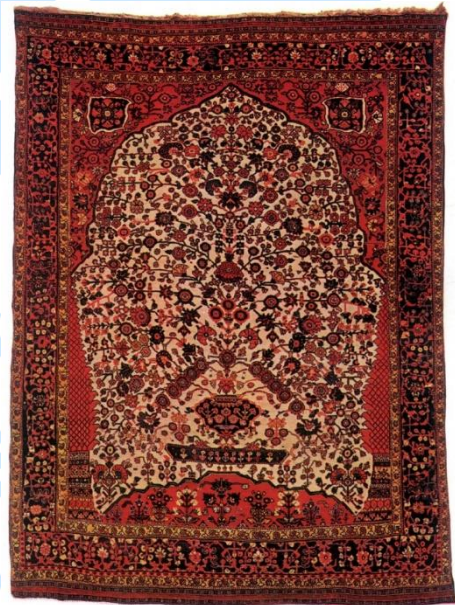
شیوه‌های ایجاد نوآوری در قالی‌های عشایری

احیاء و بازبافی طرح‌ها و نقش‌ها (دست‌بافته‌های عشایری قدیم) باهدف صیانت و ماندگاری طرح‌ها و نقش‌های اصیل و ایجاد تنوع در تولید. بازنگری در ابعاد طرح‌ها و به دنبال آن تغییر نسبی ترکیب طرح‌ها به تناسب ابعاد. بازنگری در رنگ‌بندی و تغییر جزئیات رنگ‌آمیزی و رسیدن به ترکیب رنگ مطلوب. کسب شناخت و آگاهی گسترده و عمیقی درباره دست‌بافته‌های عشایر برای رسیدن به ایده‌های نو و بدیع. با رواج یا بازگشت به شیوه نقش‌پردازی ذهنی و مشارکت‌دادن بافندگان به‌ویژه در زمینه رنگ می‌توان تنوع قابل توجه‌ای در طرح‌ها و رنگ‌بندی دست‌بافته‌های عشایری ایجاد کرد. شناخت جنبه‌های مختلف دست‌بافته‌های عشایری بدون دسترسی همه‌جانبه به منابع حاصل نمی‌شود، بنابراین لازم است منابع کسب آگاهی از دست‌بافته‌های عشایری فراهم شود. بافندگان عشایری جهت خلاقیت و نوآوری در حوزه طرح و نقش و رنگ لازم است به‌طور مداوم مجموعه زیادی از طیف‌های رنگی و رنگ‌بندی‌های متنوعی را مشاهده کنند.

نتیجه‌گیری

قالی‌های عشایری، برجسته‌ترین بافته‌ی ایلی و عشایری است. در قالی‌های عشایری زیبایی نقش‌ها، خوش‌آیندی طرح‌ها، ظرافت گره‌ها، چشم‌گیری و پایداری رنگ‌ها و بیش از همه حالت خیال‌انگیز قالی‌ها، این نوع بافته را به یکی از برجسته‌ترین بافته‌های ایرانی و عشایری تبدیل نموده است. کیفیات دیداری (بصری)، ارزش‌های زیباشناختی و فن‌شناختی قالی عشایری، محصول ذوق و ذهن و قدرت خیال‌پردازی و ملهم از طبیعت و عناصر آن است. این عرصه و ساحت اندوخته‌ای است که بر مدار تجربه، آموزش سنتی و سینه به سینه به‌دست آمده است و جایگاهی والا در نزد مخاطبان، بازارهای جهانی و هدف دارد. به‌گونه‌ای که موفقیت مطلوبی هم در گذشته و هم در زمان حال، در حوزه اقتصاد، خرید و فروش و همچنین نظام مجموعه‌داری و موزه‌داری داشته است. قالی‌های عشایری در واقع نمودی کامل و جامع از دست‌بافته‌های ایرانی و نماینده‌ای ارزشمند در هنرهای بومی، قومی و عشایری است. ارزش‌های حاکم در تولید و آفرینش دست‌بافته‌های عشایری، برآیندی از ارزش‌های فن‌شناختی شامل پشم‌ریسی دستی، رنگ‌رزی طبیعی و بافت بر مینای شیوه‌های بومی و ارزش‌های زیباشناختی شامل رنگ‌بندی (چیدمان رشته‌های رنگی کنار هم یا هم‌نشین کردن رنگ‌ها در کنار هم، طراحی و نقش‌اندازی ذهنی و خیالی‌بافی) و خلاقیت و نوآوری‌هایی است گاه و بی‌گاه در دست‌بافته خویش وارد می‌کرد. امروزه ارزش‌های یاد شده کم‌تر در دست‌بافته‌های عشایری به‌ویژه قالی نمود پیدا می‌کند. چه این‌که در اثر تغییر شیوه‌ی زندگی هم بخشی اعظمی از این بافته‌ها و از جمله قالی به‌دست فراموشی سپرده شده است. شرایط، نیازها و ضرورت‌های امروز جامعه هم‌چون اقتصاد بیمار و ناتوان ملی و بومی ایجاب می‌کند که با توجه و تمرکز و اهتمام ویژه هم‌چون گذشته بر ارزش‌های حاکم بر قالی‌های عشایری و یا رعایت حداقل بخشی از این ارزش‌های در تولید امروز می‌توان به رشد و رونقی در تولید، فروش و صادرات گذشته رسید البته نه هم‌چون گذشته بلکه به‌صورت مداوم و

پیوسته، می‌توان امیدوار بود به آینده و پر کردن خلاءها و کاستی‌ها. در زیر چند نمونه از قالی‌های عشایری و به‌طور خاص قشقایی آورده شده جهت مشاهده و توجه بر ارزش‌های حاکم بر این نوع از دست‌بافته‌های عشایری.



شکل ۴. قالی‌های عشایری (قشقایی) با ارزش‌های فن‌شناختی، زیباشناختی و نمادشناختی (منبع: پرهام، ۱۳۷۱)

منابع

- اردلان، نادر، لاله بختیار، ۱۳۹۰، حس وحدت، مترجم ونداد جلیلی، تهران، نشر مؤسسه علمی پژوهشی علم معمار رویال.
- حجت، مهدی، ۱۳۸۰، میراث فرهنگی در ایران، تهران، نشر سازمان میراث فرهنگی.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال، ۱۳۷۸، نقش ارزش‌ها در فرآیند توسعه اقتصادی، فصل‌نامه علمی پژوهشی معرفت، ش ۲۸، صص ۱۸-۳۰
- سریع‌القلم، محمود، ۱۳۶۹، توسعه‌ی جهان سوم و نظام بین‌الملل، تهران، انتشارات سفیر
- ضرغام، حمید، ۱۳۸۶، توسعه صنایع دستی در عصر سیطره فناوری اطلاعات، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در حفظ، احیاء و توسعه هنرهای سنتی و صنایع دستی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، به کوشش علیرضا موحدی، تهران، انتشارات پندارپارس، صص ۱۱۶-۱۰۴.
- گروت، لیندا، دیوید وانگ، ۱۳۸۴، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- زنگی، بهنام، ۱۳۹۲، بازشناسی نقش و ارزش‌های هنری فرش دست‌بافت ایرانی، فصل‌نامه آموزشی، پژوهشی و تحلیلی پژوهش-هنر، شماره ۲، ویژه فرش دست‌بافت، صص ۶۸-۶۱
- شیخ‌الاسلامی، علی، ۱۳۸۳، خیال، مثال و جمال در عرفان اسلامی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر
- ایمانی، الهه، ۱۳۹۲، راهکار رقابت‌پذیری فرش دست‌بافت و افزایش سهم آن از بازار فروش فرش، دوفصل‌نامه علمی ترویجی پژوهش هنر، ش ۲، صص ۸۰-۷۵.
- تراسبی، دیوید، ۱۳۸۵، اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران، انتشارات نی.
- ولش، اسکات، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات پژوهشکده باقرالعلوم (ع).

همایش ملی فرش
و نیازهای معاصر
آبان ۹۷